

واکاوی عوامل موثر در بروز کودک آزاری در کودکان سنین ۱۳-۵ سال در شهرستان جهرم

فلور آزادگان جهرمی^۱، فرانک آزادگان جهرمی^۲

^۱ کارشناس ارشد علوم اجتماعی، گرایش جامعه شناسی دانشگاه اراک، ایران

^۲ کارشناس ارشد علوم اجتماعی، گرایش جامعه شناسی دانشگاه آزاد جهرم، ایران

نویسنده مسئول:

فرانک آزادگان جهرمی

مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۸ / تابستان ۱۳۹۶ / ص ۹۸-۸۶

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تبیین عوامل موثر در بروز کودک آزاری در کودکان سنین ۱۳-۵ سال در شهرستان جهرم می باشد. روش تحقیق بکار گرفته شده توصیفی - پیمایشی از نظر نوع متغیر همبستگی می باشد. تمامی متخصصان روانشناسی و علوم تربیتی بر این باورند که دوره ی کودکی حساس ترین و مهم ترین دوره ی رشد هر انسان است و از منظری دیگر، خانواده می تواند عامل سازندگی جسمی، روانی، عاطفی، ذهنی کودک باشد. جامعه آماری کودکان بین سنین ۱۳ - ۵ سال در نظر گرفته شده است. با توجه به محدودیت جامعه آماری از روش سرشماری برای نمونه گیری استفاده شده است. یافته های تحقیق بیانگر این است که مولفه های تحصیلات والدین، پایگاه اقتصادی، طلاق والدین و خشونت خانوادگی به طور مستقیم بر کودک آزاری تاثیرگذار بودند. پیشنهاد بنیادی بیانگر این است که خانواده ها از حقوق کودک آگاهی کامل داشته باشند همچنین ایجاد و گسترش یک سیستم مددکاری فردی - اجتماعی با اهرم های قدرتمند قانونی - قضایی برای پیشگیری و درمان موارد کودک آزاری لازم و ضروری می باشد.

واژه های کلیدی: کودک آزاری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، طلاق، خشونت خانوادگی

۱- مقدمه

یکی از مسایل مهمی که امروزه متخصصان علوم رفتاری و پزشکی، متخصصان کودکان با آن رو به رو هستند، مسئله آزار جسمی، روانی و جنسی کودکان توسط والدین، و یا مراقبان آن‌ها است (کاهانی و توفیقی، ۱۳۷۵: ۵۲). کودک‌آزاری ۱ و غفلت از کودکان ۲، اغلب تأثیرات مختلف جسمی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی دارد. صدمات جسمی کودک‌آزاری ممکن است در همان لحظه ظاهر شود اما چه بسا اثرات کلی درازمدتی بر زندگی خانوادگی و اجتماعی افراد داشته باشد. البته بسیار سخت می‌توان جنبه‌های مختلف آزار را از هم جدا کرد. مثلاً پیامدهای جسمی آزار مثل اثرات آن بر مغز می‌تواند با آثار روانشناختی و مشکلات هیجانی در ارتباط باشد. مشکلات روانشناختی اغلب با رفتارهای پرخطر آشکار می‌شود. افسردگی و اضطراب ناشی از آزار دیدگی می‌تواند فرد را در معرض مصرف سیگار، استعمال موادمخدر، الکلی و دزدی قرار دهد و این رفتارها افراد را در معرض مشکلات جسمی مثل سرطان، چاقی و مشکلات جنسی قرار می‌دهد (مرکز افشای اطلاعات کودک‌آزاری، ۲۰۰۴ به نقل از شاه‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰). پس کودک‌آزاری از جمله آسیب‌های اجتماعی است که به دلیل گستردگی عوامل موثر و تأثیرات عمیقی که این عوامل بر رشد و شخصیت کودک، خانواده وی و اجتماع دارند، می‌تواند به عنوان یکی از اولویت‌های مسائل بهداشتی و درمانی، در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گیرد (رحیمی و قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۳۴). حدود کودک‌آزاری از محروم ساختن کودک از غذا، لباس، سرپناه و محبت پدر و مادری، تا مواردی که در آن، کودکان از نظر جسمی و روحی توسط یک فرد بالغ مورد آزار و بدرفتاری قرار می‌گیرند و ممکن است موجب صدمه دیدن و مرگ آنان شود، گسترده است. (کاپلان و سادوک ترجمه پورافکاری، ۱۳۸۰: ۱۹۵) هدف این مقاله بررسی کودک‌آزاری و شناسایی عوامل مستعد کننده آن بوده، تا با استفاده از نتایج اینگونه مقالات زمینه طراحی مطالعات کاربردی مربوط به پیشگیری از کودک‌آزاری در کشور را فراهم آورد. کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه هستند و جامعه خطر تعرض افراد گوناگون در خانواده یا اجتماع همواره آن‌ها را تهدید می‌کند (پورناجی، ۱۳۷۹: ۱۵).

تا حدود دو دهه‌ی قبل گمان می‌رفت که خانواده به سبب وجود روابط صمیمی و محبت آمیز، بهترین مکان برای زندگی بزرگسالان و رشد و شکوفایی عاطفی و جسمانی کودکان و نوجوانان است. اما با کمال تعجب، نتایج تحقیقات مشخص نموده است که نه تنها خانواده‌های «مسئله دار» بلکه خانواده‌هایی که به ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم ممکن است نسبت به کودکان خود بدرفتار باشند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۵). منظور از کودک‌آزاری رفتاری است که کودک مورد انواع آزارهای جسمی، جنسی، هر نوع بی‌توجهی و سوء رفتارهای عاطفی ۳ قرار می‌گیرد (خوشابی، ۱۳۸۵: ۱۳۱). کودک‌آزاری جسمی به معنای وارد آمدن آسیب عمدی از طرف فرد بالغ به کودک است. خشونت جسمانی شامل آسیب‌هایی نظیر ضربه، سوختگی، ضربه به سر، شکستگی، ایجاد آسیب‌های داخلی، زخم و سایر اشکال آسیب جسمانی می‌باشد که حداقل به مدت ۴۸ ساعت دوام داشته باشد (رحیمی موفر و همکاران، ۱۳۸۲). تعریف کنفرانس بین‌المللی ۴ در سال ۱۹۸۳ از بدرفتاری روانی، عبارت است از: «هرگونه رفتار با کودک که طبق استانداردهای اجتماعی و نظر متخصصان، از نظر روان-شناختی، آسیب‌زا باشد؛ یعنی هرگونه رفتاری که بر عملکرد رفتاری - شناختی و عاطفی و جسمی کودک تأثیر سوء داشته باشد، بدرفتاری با کودک خوانده می‌شود.» با این تعریف، ابعاد بدرفتاری بسیار گسترده‌تر می‌شود. در واقع تمام انواع بدرفتاری (جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت) با بدرفتاری روانی همراه است (حبیبی عسگرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). بی‌توجهی به معنی غفلت والدین از تأمین نیازهای اساسی کودک که برای زیستن ضروری است. غفلت به منزله‌ی رابطه‌ی اندک والدین با کودک است که به اهمال در تغذیه، سلامت، پوشاک، نظافت، تربیت، مراقبت پزشکی، حمایت و ابراز عشق و علاقه است. آزار جنسی از نظر بکت ۵ (۱۹۴۴)، عبارت از بهره‌کشی جنسی از کودک برای ارضای فرد بزرگسال است. (قماشچی، ۱۳۸۵: ۳۴). طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت در ۲۰۰۵، حدود ۴۰ میلیون کودک ۴ ساله در سراسر جهان در معرض سوء رفتار و غفلت والدین یا مراقبان خود بوده‌اند، به نحوی که به استفاده از خدمات بهداشتی، درمانی و اجتماعی نیازمند شده‌اند (بهاری، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

براساس گزارش‌هایی که از سوی «پروژه‌ی سیستم جهانی داده‌های کودک‌آزاری و بی‌توجهی به کودکان» که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، در آمریکا به طور تقریبی در حدود ۳ میلیون کودک در سال ۱۹۹۶ طی تماس با مراکز خدمات اجتماعی و خدمات حمایتی کودکان، موارد و نحوه‌ی مورد آزار قرار گرفتن را گزارش کردند؛ همچنین «مرکز مطالعات ملی کودک‌آزاری و بی‌توجهی به کودکان» گزارش کرده

1 - child abuse

2 - child neglect

3 - emotional Abuse

4- Psychological Abuse of Children and Youth

5- Becket

چیزی حدود یک میلیون کودک در سال مورد اذیت و آزار قرار می گیرند که متأسفانه اکثر این رویدادهای ناگوار توسط والدین آن‌ها صورت گرفته است. (قماشچی، ۱۳۸۵: ۴۹)

در ایران آمار چندان دقیقی در صورت شیوع این پدیده وجود ندارد و علت عمده‌ی آن نیز عبارت است از: عدم امکان آمارگیری از کودکانی که قربانی حادثه شده اند ولی به علت ترس از والدین یا ترس از بازجویی توسط مقامات قضایی و پلیس و امکان دستگیری والدین و ضعف در قدرت گفتار و عدم اطلاع از قانون حاضر به همکاری نیستند و دوم این که مرتکبین این اعمال برای فرار از مجازات و لعن و نفرین دیگران نه تنها موضوع را با آمارگیران در میان نمی گذارند، بلکه هنگام کشف اتفاقی این پدیده نیز سعی در مخفی کردن و گمراه ساختن یا دلیل تراشی برای بی‌تقصیر نشان دادن خود دارند. (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۱۹-۱۸)

بنابراین، براساس آمارهای موجود و با توجه به این که اعمال خشونت در خانواده مشکلات بی‌شماری را برای افراد قربانی به صورت فردی - اجتماعی به وجود می‌آورد و همچنین تربیت نسل خلاق، پویا، متعهد و مسئولیت پذیر در گرو وجود خانواده‌های سالم می باشد، اهمیت بررسی کودک‌آزاری به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح می شود. هدف این مقاله بررسی بررسی کودک‌آزاری در و شناسایی عوامل مستعد کننده آن بوده، تا با استفاده از نتایج این‌گونه مقالات زمینه طراحی مطالعات کاربردی مربوط به پیشگیری از کودک‌آزاری در کشور را فراهم آورد. کودک‌آزاری یکی از آسیب‌های اجتماعی است که به علت ویژگی‌های تأثیرگذار آن، نیاز به بررسی و برنامه ریزی مناسب به منظور پیش‌گیری و کمک به رفع یا کاهش آن به شدت احساس می شود. پاسخ به این نیاز به عنوان یکی از ضروریات رشد و پرورش نسلی سالم و شاداب و به تبع آن جامعه ای توانمند و توسعه یافته است. متأسفانه در جامعه ما مسئله «کودک‌آزاری» دارای سابقه ای طولانی است و به تدریج نیز شدت می‌یابد این موضوع ضرورت طرح و توجه به مشکل، چاره اندیشی و تدبیر برای مواجهه با آن را اجتناب ناپذیر می کند. با در نظر گرفتن ویژگی های کودک‌آزاری در کشور ما از قبیل گسترش و پیچیده بودن علل این مسأله، همچنین به دلیل آثار زیان‌بار این پدیده و کمبود آمار و ارقام در این زمینه و دست آخر وجود نداشتن یک سازمان برای اطلاع‌رسانی موارد کودک-آزاری، هر اقدامی که در راه شناخت و کاهش کودک‌آزاری انجام گیرد، گامی در جهت کمک به حفظ سلامت و امنیت کودکان جامعه است.

۳- روش شناسی تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس روش تحقیق از نوع توصیفی- پیمایشی و از نظر نوع متغیر همبستگی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود و یاری دادن در فرآیند تصمیم‌گیری است. برای توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری روش تحقیق پیمایشی به کار رفته است. جامعه آماری کودکان بین سنین ۱۳ - ۵ سال در نظر گرفته شده با توجه به محدودیت جامعه آماری از روش سرشماری برای نمونه‌گیری استفاده شده است.

داده‌های موردنیاز با بهره‌گیری از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته گردآوری شد. در این پرسش‌نامه سؤالات بر اساس میزان کودک-آزاری سنجیده می شود که هر چه نمره بیشتر باشد میزان کودک‌آزاری بیشتر است. این پرسش‌نامه سه فاکتور آزار عاطفی، آزار جسمانی و بی‌توجهی را سنجیده است.

برای دستیابی به اعتبار سؤالات پرسش‌نامه با استفاده از نظرات اساتید جامعه شناسی و روان‌شناسی اقدام به رفع اشکالات آن، از اعتبار صوری بهره جستیم. جهت اطمینان از پایایی^۱ ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین صورت که پس از تهیه و تدوین شاخص‌ها و طراحی صورت اولیه پرسش‌نامه، مطالعه ای مقدماتی انجام گرفت. در مطالعه‌ی مقدماتی ۳۰ پرسش‌نامه میان کودکان سنین ۱۳-۵ سال شهرستان جهرم توزیع گردید و پایایی آن‌ها با استفاده از نرم افزار *spss15* وارد شدند و پایایی آن‌ها به وسیله‌ی آلفای کرونباخ ارزیابی گردید؛ که مقدار آلفای محاسبه شده برای کل سوال های پرسش‌نامه ۰/۸۲ به دست آمده است. در ارتباط با سوال های خرده مقیاس ها، بیش ترین مقدار ضریب آلفای کرونباخ مربوط به خرده مقیاس آزار عاطفی با ۰/۷۷ و کم ترین آن مربوط به خرده مقیاس بی توجهی با ۰/۷۷ بود. بنابراین با توجه به اینکه ضریب به دست آمده، در نمونه‌ی ۳۰ نفری بالای ۰/۷ می باشد، می توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش، ابزاری پایا و اعتمادپذیر است.

جدول ۱: همبستگی گویه ها به تفکیک

متغیرها	تعداد گویه ها	ضریب آلفا
بی توجهی	۸	۰/۷۰
آزار عاطفی	۶	۰/۷۷
آزار جسمانی	۸	۰/۷۳
کودک آزاری	۲۲	۰/۸۱
خشونت خانوادگی	۷	۰/۷۵

۳-۱- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۳-۱-۱- متغیر وابسته

کودک آزاری: الکساندر^۱ و همکاران (۲۰۰۱) کودک آزاری را اینگونه تعریف کرده است: «هرگونه آسیب جسمانی یا روانی، سوء استفاده جنسی و رفتارهای اهمال گرانه یا خشونت آمیز نسبت به کودک توسط فردی که مسئولیت آسایش و رفاه او را بر عهده دارد، به طوری که سلامت و آسایش کودک به خطر افتد.» کودک آزاری در این مقاله به سه دسته تقسیم شده است: (حبیبی عسگرآبادی، ۱۳۸۷) **آزار جسمانی:** شامل هر نوع فعالیتی است که حاصل آن آسیب جسمی غیر اتفاقی یا ایجاد حس درد و ناراحتی بدنی در کودک باشد. **آزار عاطفی:** به معنی ایجاد احساس بی ارزشی در کودک و از بین بردن حس اعتماد به نفس وی است. **بی توجهی:** به معنی عدم توجه (عمدی و غیرعمدی) والدین به نیازهای اساسی کودک، که برای رشد توانایی های جسمی، هوشی و عاطفی کودکان ضروری است. جهت عملیاتی نمودن این مفهوم از ۲۲ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در سطح مقیاس فاصله ای سنجیده شده است.

۳-۱-۲- متغیر مستقل

خشونت خانوادگی: سازمان ملی بهداشت روان خشونت خانوادگی را چنین تعریف می کند: اعمالی که به طور فیزیکی یا هیجانی مضر هستند یا به صورت بالقوه منجر به آسیب بدنی می شود. همچنین شامل زورگویی یا تجاوز جنسی، تهدید بدنی، تهدید به کشتن، یا آسیب رساندن، محدود نمودن فعالیت های عادی، سلب اختیار یا محرومیت از دسترسی به منابع می باشد. (رضوی پور، ۱۳۸۷: ۲۸)

جهت عملیاتی نمودن این مفهوم از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در سطح مقیاس فاصله ای سنجیده شده است. **پایگاه اجتماعی - اقتصادی:** به معنی این است که افراد یک جامعه از نظر میزان دارا بودن «عوامل با ارزش اجتماعی» در لایه های گوناگون قرار گرفت، به طوری که در لایه های بالا افراد غنی از عوامل با ارزش اجتماعی طبقه بندی شده اند و به ترتیب در لایه های پایین تر از میزان دارا بودن این عوامل کاسته می شود. (رفیع پور، ۱۳۸۰: ۱۶۳) برای عملیاتی کردن متغیر فوق متغیرهایی مانند میزان تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی را مورد پرسش قرار دادیم.

طلاق: رابطه ی خانوادگی هم چون زنجیر است که به هم متصل هستند هنگامی که طلاق این زنجیر را پاره کند، باز هم پدر فردی است مستقل و مادر نیز همین طور ولی آن چه که دیگر نامی ندارد و بی پناه و متزلزل است فرزند و یا کودکان خردسال خانواده هستند. در رابطه با تأثیر طلاق بر پدیده کودک آزاری جنبه روانی و تأثیر آن بر کودک بیشتر مورد توجه است که البته بحث جسمانی نیز نادیده گرفته می شود. هنگامی که کودک با طلاق و جدایی پدر و مادر مواجه می گردد از لحاظ روانی با کاستی های فراوان روبرو خواهد شد. (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۲) برای عملیاتی کردن متغیر فوق از سوالاتی مبنی بر والدین مطلقه و بدون طلاق استفاده گردیده است. پس از پایان یافتن مرحله ی جمع آوری داده ها و اطلاعات لازم، تمامی پرسشنامه مورد بازبینی قرار گرفت و پس از اطمینان از صحت کار، براساس سطوح اندازه گیری متغیرها و گویه ها کدهایی برای آن در نظر گرفته شد. اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه پس از کدگذاری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS وارد رایانه شد، هر یک از متغیرها و کدهای مربوط به آن تعریف شدند و با استفاده از این نرم افزار به تجزیه و تحلیل داده ها پرداختیم. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و

1 - Alexander

2 -physical Abuse

3-neglect

آمار استنباطی استفاده شده است. با استفاده از آمار توصیفی، کلیه متغیرهای مستقل و همچنین الگوهای کودک‌آزاری در قالب جداول فراوانی توصیف می‌شود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار استنباطی، برای آزمون روابط بین متغیرها از روش‌های گوناگون آماری و ضرایب همبستگی مرتبط استفاده گردید.

۴- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۴-۱- نظریه ماسن

کودکانی که از جهت خانوادگی - وجود یکی از هر دو والد - محرومند و خود را از خانواده و اجتماع طرد شده و منزوی تلقی می‌کنند به آسانی هنجارها و ارزش‌های جامعه را نقص می‌کنند. نبودن یکی از والدین و روابط نامطلوب خانواده، به‌کارگیری شیوه‌های نادرست تربیتی مانند طرد و عدم مواظبت و مراقبت صحیح، ضرب و شتم، محرومیت از مهر و محبت والدین، کودک‌آزاری و خشونت علیه فرزندان باعث احساس ناامنی و اضطراب خودپنداری منفی و کینه‌توزی نسبت به دیگران می‌شود. (ماسن و همکاران ترجمه یاسایی، ۱۳۸۲: ۸۵)

۴-۲- نظریه محرومیت - مهاجم

خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظام اقتدار می‌باشد و هر کس را که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد جهت دهنده‌ی سایر اعضای خانواده به سوی انسجام ساختار خانواده می‌باشد، اما افرادی که در وضعیت ضعیف اجتماعی - اقتصادی قرار دارند و توانایی منسجم نگهداشتن ساختار خانواده را ندارند و تنها منبع اقتدارشان قدرت بدنیشان است، دست به انجام خشونت‌های خانگی و از جمله کودک‌آزاری می‌زنند تا از این راه ساختار خانواده را پایدار نگاه دارند، براساس نظریه محرومیت - مهاجم، کلیه رفتارهای پرخاشگرانه و به ویژه خشونت را ناشی از محرومیت و ناامیدی می‌دانند و نشان داده‌اند که انسان‌هایی دست به عمل خشونت‌آمیز می‌زنند که تحت تاثیر نوعی محرومیت و ناکامی در دستیابی به هدف‌هایشان قرار داشته‌اند؛ همچنین پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند در خانواده‌هایی که فقر اقتصادی وجود دارد و والدین تحصیلات پایینی دارند و موقعیت اجتماعی مناسبی ندارند میزان بروز خشونت خانوادگی بالاست. (راهب، ۱۳۸۸: ۸۶)

۴-۳- نظریه زیست محیطی

انقال مفهوم زیست محیطی به خشونت خانوادگی ناشی از تمایل به جمع‌بندی نظریه‌های روان‌شناسی است. در این نظریه، جامعه‌پذیری کودکان در سه سطح متفاوت توضیح داده می‌شود: محیط بی‌واسطه، شبکه‌های اجتماعی و نظام جهان بینی (ایدئولوژیک). خانواده در حکم محیط زیست، در یادگیری کودک نقش خاصی دارد و ارتباط آن با محیط بیرونی (همسایگان، محله) شاخص به ثمر رسیدن جامعه‌پذیری است. (اعزاز، ۱۳۸۰: ۸۵)

یکی از پیچیده‌ترین و جامع‌ترین روش‌هایی که برای درک پرخاشگری در خانواده به کار رفته، تحقیق پاترسون^۱ و همکارانش است. آنان برای مطالعه الگوهای کنش متقابل خانوادگی در خانه، مدرسه و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان مشاهدات مستقیمی انجام داده‌اند. افراد مورد مطالعه از خانواده‌هایی بودند که به دلیل مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری و سایر رفتارهای ضداجتماعی فرزندان‌شان به درمانگاه مراجعه کرده بودند. این محققان به این نتیجه رسیدند که والدین کودکان به شدت پرخاشگر، غالباً هنگام اعمال قواعد و معیارها، خشونت دارند و پرخاشگرند. (ماسن و همکاران ترجمه یاسایی، ۱۳۸۲: ۴۳)

۴-۴- نظریه یادگیری اجتماعی - مشاهده‌ای

بندورا (۱۹۷۵)، اعتقاد دارد بخش اعظم یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران است. نکته مهم در این دیدگاه عدم نیاز به تقویت فوری است، یعنی فرد رفتار را مشاهده کرده و می‌آموزد ولی تا زمانی که نیازی به ابراز آن نباشد و به عبارتی عامل تقویتی وجود نداشته باشد، بروز نمی‌کند. هر چه الگو از مقبولیت و مشروعیت بیشتری برخوردار باشد احتمال یادگیری بیشتر است. بنابراین در این دیدگاه، خشونت‌گری نوعی رفتار آموخته شده است که فراگیری آن براساس مشاهده انجام می‌شود و مورد تشویق قرار گرفتن الگوی خشونت‌گر بر تقویت رفتار خشونت‌گرایانه و بروز آن مؤثر است. (رحیمی موقر و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۶)

در این مورد خاص والدین به صورت افراد صاحب قدرت از نفوذ زیادی برخوردارند و کودکان آن‌ها را به عنوان الگوی مناسبی تلقی نموده و در طول زندگی و هنگامی که خود بخواهند با کودکان‌شان برخورد کنند از همان شیوه‌های آزارگری توأم با غفلت و مسامحه استفاده می‌کنند. (اسداللهی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۳۳)

به اعتقاد وی فرزندان با نگاه به والدین، نحوه‌ی خشونت را می آموزند. تجمع عناصر مختلفی چون رفتارهای تند، عدم توجه به اصول تربیتی و شأن اجتماعی کودکان با رفتار ناشایست والدین در خانه به معنای پیدایش الگوی از خشونت می باشد. (قماشچی، ۱۳۸۵: ۸۳).

رحیمی موقر و همکاران (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «بررسی شیوع کودک‌آزاری در دو منطقه تهران» انجام داده اند. در این پژوهش مقطعی مجموعاً ۸۴۰ کودک با نسبت مساوی از دو منطقه، دو جنس و سه مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان، با روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. کودکان دو منطقه از نظر بعد خانوار، تحصیلات پدر و میزان اشتغال مادر تفاوت قابل ملاحظه ای داشتند اما از نظر سن پدر و مادر و میزان مهاجرت تفاوت محسوسی نشان نمی داد. میزان شیوع بدرفتاری جسمی با کودک با اطمینان ۹۵ درصد در منطقه ۲۰، با شیوع ۳۷ تا ۴۶ درصد و در منطقه ۳ با شیوع ۱۶ تا ۲۴ درصد بوده است. عاملان بدرفتاری را در منطقه ۲۰ بیشتر مادران و در منطقه ۳ به نسبت مساوی مادران و پدران تشکیل می دادند. مهمترین کودکان در معرض خطر بدرفتاری جسمی در منطقه ۲۰، کودکان سنین راهنمایی (ابتدای سنین نوجوانی) و کودکان دارای پدر بیکار بوده اند. در منطقه ۳، دختران دبیرستانی و کودکانی که تحصیلات پدرشان در حد دیپلم یا کمتر بود، بیشتر در معرض خطر بوده است.

میری و همکاران (۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان «بررسی شیوع کودک‌آزاری در دبیرستان‌های شهر بم» انجام داده‌اند. ۵۶۲ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب و داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه جمع‌آوری گردید. نتایج نشان داده ۲۰/۲٪ از آزمودنی‌ها آزار جسمی، ۲۴/۵۹٪ غفلت و ۳۳/۶۱٪ آزار عاطفی را تجربه کرده بودند. همچنین آزار جسمی در دانش‌آموزان دارای مادران خانه دار، پدران معتاد و در خانواده‌های با سابقه طلاق به طور معنی‌داری بیشتر از سایر گروه‌ها بود. دانش‌آموزان دارای مادران تحصیلات غفلت و آزمودنی‌های دارای والدین با همین سطح تحصیلات، آزار عاطفی و جسمی کمتری را گزارش کرده بودند. همچنین عاملین آزار را در حیطه آزار جسمی و غفلت بیشتر پدران و در حیطه عاطفی بیشتر مادران تشکیل می دادند.

شاه محمدی و دیگران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی کودک‌آزاری جسمانی» انجام داده‌اند. این پژوهش یک مطالعه مقطعی است. در این پژوهش، ۴۵۰ دستیار آموزش دیده تخصصی کودکان، ۳۰۱۹ کودک زیر ۱۸ سال مراجعه کننده به سه مرکز آموزشی کودکان تهران (بیمارستان‌های بهرامی، حضرت علی اصغر (ع) و مرکز طبی کودکان) را مورد مطالعه قرار دادند که از این تعداد، ۱۵۷۸ پسر و ۱۴۴۱ دختر بودند. با انجام مصاحبه بالینی، معاینه فیزیکی و تکمیل پرسشنامه بررسی کودک‌آزاری جسمانی روی مراجعان این مراکز، در مجموع ۳۶۷ کودک، یعنی ۱۲/۲ درصد آن‌ها (۱۴/۵ درصد پسران و ۹/۶ درصد دختر) دچار آزار جسمانی شده بودند. علایم آسیب، بیشتر در صورت، اندام فوقانی، پشت و اندام تحتانی بود. شدت آسیب وارده در ۱۲/۸ درصد موارد شدید و ۸۷/۲ درصد موارد در حد متوسط بوده است. والدین بیش از سایرین، عامل کودک‌آزادی جسمانی بوده‌اند. بیشترین عامل مستعد کننده کودک‌آزاری جسمانی در نمونه‌های مورد مطالعه را بیش‌فعالی، شب‌ادراری و ناخواسته بودن تشکیل داده‌اند. ۳۴/۱ درصد عاملان کودک‌آزاری جسمانی، دارای سابقه آزار جسمی در کودکی بودند و ۲۶/۴ درصد آن‌ها نیز در گذشته سابقه اعمال کودک‌آزاری داشته‌اند. عوامل مستعد کننده کودک‌آزاری جسمانی در خانواده کودکان آسیب دیده، بیشتر مربوط به پر اولاد بودن، اعتیاد یکی از اعضای خانواده و وجود استرس حاد و شدید در طول ۶ ماه گذشته بوده است. با انجام آزمون X^2 ، ارتباط معنی‌داری بین اقدام به کودک‌آزاری جسمانی با سن، جنس، محل سکونت، جدایی والدین و سابقه آزار جسمانی در کودکی والدین، مشاهده شد.

خاک رنگین و فتحی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «عوامل خانوادگی مرتبط با کودک‌آزاری» به بررسی پدیده کودک‌آزاری پرداخته‌اند. در این پژوهش به عمده‌ترین عوامل خانوادگی مرتبط با کودک‌آزاری پرداخته شده است. روش پژوهش از نوع مورد - شاهدهی است. برای گردآوری اطلاعات نیز از روش مصاحبه‌ی منظم و پرسشنامه استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آگاهی والدین از ویژگی‌های دوران رشد کودک و دسترسی به حمایت‌های اجتماعی یا اعمال خشونت آنها علیه کودکان، رابطه- معکوسی دارد. تجربه خشونت در خانواده خاستگاه، تعارض بین والدین، انزوای اجتماعی والدین و بعد خانوار در گروه والدین آزارگر به مراتب بیشتر از والدین غیر آزارگر است اما آگاهی از ویژگی‌های دوران رشد کودک و دسترسی به حمایت‌های اجتماعی والدین آزاررسان، کمتر از گروه مقایسه است و این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار می باشد. از نظر متغیرهای اعتماد به نفس والدین طبقه اجتماعی خانواده، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نگردید.

برگر^۱ (۲۰۰۵) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش درآمد خانوار، خصوصیت خانوادگی و خشونت فیزیکی بر روی کودکان» انجام داده است. این پژوهش بر روی ۲۷۶۰ خانواده صورت گرفت. نتایج نشان داد که در خانواده‌های تک‌والدی، خانواده‌های دارای والدین

افسرده، سابقه مصرف الکل توسط مادر، وجود تاریخچه مورد خشونت قرار گرفتن والدین در دوران کودکی و پایین بودن درآمد خانوار بروز کودک‌آزاری به طور معناداری بیشتر است. (نقل از میری و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۵)

کوهی^۱ (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر کودک‌آزاری» انجام داده است به این نتیجه رسید که سن پایین پدران، بیکاری و تحصیلات کم پدر و مادر، جمعیت زیاد خانواده و وضعیت سخت اقتصادی با احتمال وقوع مجدد کودک‌آزاری رابطه دارد.

محدودیتی که تحقیقات داشتند این است که بیشتر تمرکزشان بر روی عامل‌های موثر بر کودک‌آزاری بوده است و شیوه نمونه‌گیری در اکثر آن‌ها به صورت نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد. نتایج این مطالعه‌ها هر چند تخمینی از حجم و اندازه مشکل را ارائه می‌دهد، ولی این یافته‌ها قابل تعمیم به کل جامعه نیستند، زیرا، اولاً کلیه کودکان آسیب‌دیده نبودند؛ ثانیاً کلیه کودکان آسیب‌دیده برای درمان به مراکز درمانی مراجعه نمی‌کنند؛ ثالثاً، به دلیل تخصصی بودن، بخش اعظم مراجعان مراکز را مراجعان ارجاعی از سایر مراکز درمانی و مطب‌های خصوصی تشکیل می‌دهند، لذا این مراکز نمی‌توانند نشانگر وضع کلی جامعه باشند، هم‌چنین، میزان شیوع انواع پاتولوژی مراجعان این مراکز، منطبق با شیوع واقعی آن‌ها در سطح جامعه نیست. نقاط ضعف دیگر این تحقیقات؛ تعریف فعلی رفتار کودک‌آزاری، تحت تأثیر مسایل فرهنگی می‌تواند تغییر پیدا کند. بنابراین، در تجدیدنظر پرسش‌نامه‌های اجرا شده در این بررسی‌ها، لازم است از متخصصان مردم‌شناس و جامعه‌شناس استفاده شود تا با لحاظ کردن عنصر فرهنگ در پرسش‌نامه، میزان اعتبار و پایایی آن‌ها افزایش یابد. بنابراین تا زمانی که عوامل به دست آمده و نام‌گذاری آن‌ها منطقی نباشد و به یک حالت ثبات نسبی نرسیده باشد، هرگونه مطالعه و بررسی در خصوص نتایج پژوهش‌های انجام شده باید با احتیاط انجام گیرد.

۵- فرضیات پژوهش

با عنایت به نقش با اهمیت فرضیه در پژوهش‌های علمی، چارچوب تحقیق حاضر براساس فرضیات مطرح شده در ذیل استوار می‌باشد.

- ۱- به نظر می‌رسد بین تحصیلات والدین و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین طلاق والدین و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین طبقه اقتصادی خانواده و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین خشونت خانوادگی و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۶- بحث

پس از اجرای پرسشنامه‌ها و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات، نتایج زیر در قالب جداول به دست آمد. داده‌های آماری به دست آمده از نظر وضعیت تحصیلی والدین نشان می‌دهد اکثر مادران ۲۷/۱٪ دیپلم و اکثر پدران ۳۲/۹٪ زیردیپلم بوده‌اند. نکته قابل توجه آن است که اغلب این کودکان ۶۰٪ با والدین (پدر و مادر) زندگی می‌کنند و در میان آن‌ها تنها ۴۰٪ به صورت تک والدی زندگی می‌کنند.

به این ترتیب، در فرضیه‌ی اول پژوهش حاضر چنین مطرح می‌شود که بین تحصیلات والدین و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون واریانس نشان می‌دهد که بین دو متغیر تحصیلات پدر و کودک‌آزاری رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. در جدول شماره ۲ در هر مورد مقدار آماره‌ی آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. بنابراین فرضیه-۱ ی پژوهش با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۰۵ تأیید می‌شود.

جدول ۲: بررسی رابطه‌ی بین تحصیلات پدر و کودک‌آزاری در کودکان سنین ۱۳-۵ سال

سطح معناداری	واریانس	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	بین گروهی	
		۱۵۶/۵۹	۴	۶۲۶/۳۷	بین گروهی	
۰/۰۰۸	۳/۷۴	۴۱/۸۰	۶۵	۲۷۱۷/۱۱	درون گروهی	بی توجهی
			۶۹	۳۳۴۳/۴۸	جمع	
		۸۴/۷۰	۴	۳۳۸/۸۰	بین گروهی	
۰/۰۲۲	۳/۰۸	۲۷/۴۹	۶۵	۱۷۸۷/۰۳	درون گروهی	آزار عاطفی
			۶۹	۲۱۲۵/۸۴	جمع	
		۱۵۴/۶۸	۴	۶۱۸/۷۴	بین گروهی	
۰/۰۰۷	۳/۸۷	۳۹/۹۳	۶۵	۲۵۹۵/۸۳	درون گروهی	آزار جسمانی
			۶۹	۳۲۱۴/۵۷	جمع	
		۱۱۵۵/۶۹	۴	۴۶۲۲/۷۷	بین گروهی	
۰/۰۰۹	۳/۷۱	۳۱۱/۰۹	۶۵	۲۰۲۲۱/۰۱	درون گروهی	کودک‌آزاری
			۶۹	۲۴۸۴۳/۷۸	جمع	

در فرضیه‌ی فوق چنین مطرح می‌شود که بین تحصیلات مادر و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون واریانس نشان می‌دهد که بین دو متغیر تحصیلات مادر و کودک‌آزاری رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. در جدول شماره ۳ در هر مورد مقدار آماره‌ی آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. بنابراین فرضیه‌ی پژوهش با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۵ تایید می‌شود.

جدول ۳: بررسی رابطه‌ی بین تحصیلات مادر و کودک‌آزاری در کودکان سنین ۱۳-۵ سال

سطح معناداری	واریانس	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	بین گروهی	
		۱۶۷/۸۵	۴	۶۷۱/۴۲	بین گروهی	
۰/۰۰۵	۴/۰۸	۴۱/۱۰	۶۵	۲۶۷۲/۰۵	درون گروهی	بی توجهی
			۶۹	۳۳۴۳/۴۸	جمع	
		۸۷/۸۰	۴	۳۵۱/۲۲	بین گروهی	
۰/۰۱۸	۳/۲۱	۲۷/۳۰	۶۵	۱۷۷۴/۶۲	درون گروهی	آزار عاطفی
			۶۹	۲۱۲۵/۸۴	جمع	
		۱۶۷/۹۰	۴	۶۷۱/۶۱	بین گروهی	
۰/۰۰۴	۴/۲۹	۳۹/۱۲	۶۵	۲۵۴۲/۹۵	درون گروهی	آزار جسمانی
			۶۹	۳۲۱۴/۵۷	جمع	
		۱۲۳۸/۶۵	۴	۴۹۵۴/۶۰	بین گروهی	
۰/۰۰۵	۴/۰۴	۳۰۵/۹۸	۶۵	۱۹۸۸۹/۴۸	درون گروهی	کودک‌آزاری
			۶۹	۳۴۸۴۳/۷۸	جمع	

در فرضیه‌ی دوم چنین مطرح شد که بین طلاق والدین و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون تی گروه‌های مستقل نشان می‌دهد که بین دو متغیر طلاق والدین و کودک‌آزاری رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. در جدول شماره ۴ در هر مورد مقدار آماره‌ی آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. بنابراین فرضیه-ی دوم پژوهش با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۵ تایید می‌شود.

جدول ۴: بررسی رابطه‌ی بین طلاق والدین و کودک‌آزاری در کودکان سنین ۱۳-۵ سال

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t	سطح معناداری
۴۲	۱۷/۲۳	۶/۸۲	۶۸	-۲/۸۵	۰/۰۰۶
۲۸	۲۱/۸۵	۶/۳۱			
۴۲	۱۲/۹۲	۵/۳۴	۶۸	-۲/۵۷	۰/۰۱۲
۲۸	۱۶/۲۸	۵/۳۲			
۴۲	۱۷/۰۴	۶/۵۱	۶۸	-۲/۸۵	۰/۰۳۵
۲۸	۲۱/۵۷	۶/۴۷			
۴۲	۴۷/۲۱	۱۸/۳۳	۶۸	-۲/۸۳	۰/۰۰۶
۲۸	۵۹/۷۱	۱۷/۶۷			

در فرضیه‌ی سوم پژوهش حاضر چنین مطرح می‌شود که بین طبقه اقتصادی خانواده و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون واریانس نشان می‌دهد که بین دو متغیر طبقه اقتصادی خانواده و کودک‌آزاری رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. در جدول شماره ۵ در هر مورد مقدار آماره‌ی آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. بنابراین فرضیه-ی سوم پژوهش با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۵ تایید می‌شود.

جدول ۵: بررسی رابطه‌ی بین طبقه اقتصادی خانواده و کودک‌آزاری در کودکان سنین ۱۳-۵ سال

مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	واریانس	سطح معناداری
۶۲۶/۰۹	۴	۱۵۶/۵۲	۳/۷۴	۰/۰۰۸
۲۷۱۷/۳۹	۶۵	۴۱/۸۰		
۳۳۴۳/۴۸	۶۹			
۳۷۶/۴۶	۴	۹۴/۱۱	۳/۴۹	۰/۰۱۲
۱۷۴۹/۳۷	۶۵	۲۶/۹۱		
۲۱۲۵/۸۴	۶۹			
۵۴۷/۸۰	۴	۱۳۶/۹۵	۳/۳۳	۰/۰۱۵
۲۶۶۶/۷۶	۶۵	۴۱/۰۲		

جمع	۳۲۱۴/۵۷	۶۹			
بین	۴۵۶۶/۹۸	۴	۱۱۴۱/۷۴		
گروهی					
کودک -					
آزاری	۲۰۲۷۶/۸۰	۶۵	۳۱۱/۹۵	۳/۶۶	۰/۰۰۹
درون					
گروهی					
جمع	۲۴۸۴۳/۷۸	۶۹			

در فرضیه‌ی چهارم چنین مطرح می‌شود که بین خشونت خانوادگی و کودک‌آزاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین دو متغیر خشونت خانوادگی و کودک‌آزاری رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. در جدول شماره ۶ در هر مورد مقدار آماره‌ی آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود با افزایش میزان خشونت خانوادگی، کودک‌آزاری افزایش می‌یابد و بالعکس. بنابراین فرضیه‌ی چهارم پژوهش با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۵ تایید می‌شود.

جدول ۶: همبستگی بین خشونت خانوادگی و کودک‌آزاری کودکان سنین ۱۳-۵ سال

میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بی توجهی	۱۹/۰۸	۹/۹۶	۰/۰۱۲
خشونت خانوادگی	۱۶/۶۰	۶/۱۸	
آزار عاطفی	۱۴/۲۷	۵/۵۵	۰/۰۳۲
خشونت خانوادگی	۱۶/۶۰	۶/۱۸	
آزار جسمانی	۱۸/۸۵	۶/۸۲	۰/۰۰۴
خشونت خانوادگی	۱۶/۶۰	۶/۱۸	
کودک‌آزاری	۵۲/۲۱	۱۸/۹۷	۰/۰۰۰
خشونت خانوادگی	۱۶/۶۰	۶/۱۸	

۷- نتیجه گیری

با توجه به این که تمامی متخصصان روانشناسی و علوم تربیتی بر این باورند که دوره‌ی کودکی حساس‌ترین و مهم‌ترین دوره‌ی رشد هر انسان است و از منظری دیگر، خانواده می‌تواند عامل سازندگی جسمی، روانی، عاطفی، ذهنی و ... کودک باشد یا عامل ویرانی و نابودی آن، همچنین، تاثیر مستقیم آن در رشد و نمو قوای مادی یا معنوی کودک امری است که آن را نمی‌توان به سادگی منکر شد بررسی کودک‌آزاری اهمیت می‌یابد. بر همین مبنا و با توجه به شرایط موجود و ضرورت مطالعه در این زمینه، هدف اصلی این مطالعه بررسی پاره‌ای از علل کودک‌آزاری در بین کودکان سنین ۱۳ - ۵ ساله شهرستان جهرم می‌باشد، مطمح نظر قرار گرفت. پژوهش حاضر به طور کلی به مباحثی اشاره داشته که به اجمال به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

تحصیلات والدین یکی از مسائلی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. آزمون واریانس نشان داد که همبستگی معناداری بین میزان تحصیلات والدین و کودک‌آزاری وجود دارد، به طوری که بروز آزار در مادران و پدران دارای تحصیلات پایین به طور معناداری بیشتر از والدین با تحصیلات بالا بود. نتایج مشابه با نتایج پژوهش میری و همکاران (۱۳۸۴)؛ رحیمی موقر و همکاران (۱۳۸۲) و کوهی (۲۰۰۶) بوده است. همچنین براساس نتایج تحقیق قاسم (۱۹۹۸) به نقل از قهفرخی و زینالی (۱۳۹۰) یک ارتباط قوی و منفی بین میزان تحصیلات والدین و نگرش آن‌ها نسبت به تنبیه بدنی وجود دارد. بدین ترتیب که ۴۲ درصد والدین بی‌سواد و ۱۵ درصد والدین دارای تحصیلات دبیرستان و بالاتر با تنبیه بدنی شدید موافق بودند.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان این‌گونه بیان نمود که میزان تحصیلات والدین در شیوه رفتار آنان با فرزندان تأثیر فراوانی دارد، پدر و مادری که دارای تحصیلات بالاتری هستند در مقایسه با والدین بی‌سواد، رفتار دوستانه‌تری با فرزندان خود دارند و بیشتر به نیازهای عاطفی و جسمانی آن‌ها توجه می‌کنند. وقوع بیش‌تر آزار در خانواده‌های دارای تحصیلات پایین را می‌توان ناشی از فقدان دانش و آگاهی کافی آن‌ها از فرایند رشد و تکامل کودک و نیازهای جسمی و عاطفی کودک دانست. علاوه بر این، والدین دارای تحصیلات پایین بیش‌تر متعلق به طبقات پایین و محروم جامعه بوده که احتمال شکل‌گیری و تسریع الگوهای بدرفتاری در آن‌ها بیش‌تر است. در این رابطه احدی (۱۳۹۰) ذکر می‌کند بین میزان تحصیلات کم والدین و سوء رفتار ارتباط قوی وجود دارد.

در رابطه با ارتباط بین طلاق و کودک‌آزاری اختلاف معنی‌دار آماری به دست آمد بدین ترتیب که کودکانی که والدین آن‌ها از هم طلاق گرفته بودند در بعضی موارد مورد آزار واقع شده بودند که این نتیجه براساس نتایج پژوهش شامکاسیم^۱ (۲۰۱۰) به نقل از بهاری (۱۳۸۸) در ۴۸ مورد از ۱۱۹ مورد مطالعاتی مشکلاتی نظیر طلاق، متارکه و ناسازگاری‌های شدید خانوادگی وجود داشته است. بالا بودن شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها از هم جدا شده‌اند می‌تواند ناشی از مسئولیت بیش‌تر مادر در توجه و مراقبت از فرزندان و نقش کم‌تر پدر در جبران کمبودهای فرزندان باشد. همچنین نتایج مشابه با پژوهش میری و همکاران (۱۳۸۴)؛ شاه محمدی و همکاران (۱۳۸۹)؛ برگر (۲۰۰۵) بوده است.

در تبیین نتایج پژوهش حاضر، می‌توان گفت در خانواده‌های تک والدی به دلیل ضعیف بودن سیستم‌های حمایتی میزان آزار افزایش می‌یابد. نبودن سیستم‌های حمایتی موجود همراه با استرس‌های تحمیل شده توسط کودک با شرایط دشوار محیطی سبب می‌گردد که این والدین نسبت به بحران‌های موجود بسیار آسیب‌پذیر بوده و جهت تخلیه و آزادسازی محرومیت فزاینده‌ی خود نسبت به کودک خشونت ورزیده و یا نسبت به نیازهای جسمانی و عاطفی وی بی‌توجه شوند. به عبارت دیگر بزرگ‌ترین قربانیان طلاق، کودکانی معصومی هستند، که از مهر مادری یا لطف پدری محرومند. بخش مهمی از موارد کودک‌آزادی به کودکانی اختصاص دارد، که گرفتار تک‌سرپرستی یا سرپرست نامناسب پس از طلاق هستند. در مواردی مشاهده شده که نامادری یا ناپدری در اثر غفلت یا بی‌توجهی والدین اصلی، کودک را مورد آزار جسمی و یا جنسی قرار داده‌اند.

همچنین نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از همبستگی معکوس بین پایگاه اقتصادی و کودک‌آزاری بود. یعنی هر چقدر پایگاه اقتصادی خانواده بالاتر باشد، کودک کمتر در معرض کودک‌آزاری قرار می‌گیرد. این یافته منطبق با نتایج پژوهش برگر (۲۰۰۵)؛ کوهی (۲۰۰۶) و نظریه‌ی محرومیت - مهاجم است.

در تبیین نتایج پژوهش حاضر، می‌توان گفت عمده کودکانی که قربانی کودک‌آزاری می‌شوند، تحت فشارهای مالی هستند. فقر سبب می‌شود تا کودکان از دسترسی به نیازهای اساسی خود؛ مانند آموزش، بهداشت، تغذیه و... محروم شوند یا والدین به دلیل فشارهای مالی با رفتارهایی؛ چون پرخاشگری، خشونت، بی‌توجهی و... کودکان را مورد آزار قرار دهند. فشار مالی سبب می‌شود تا

والدین سعی کنند محدودیت‌های بیشتری برای فرزندان خود قرار دهند. این امر سبب اعتراض کودک و پرخاشگری‌های او می‌شود، که کشمکش میان ایشان، گاه منتهی به کودک‌آزاری می‌شود.

پورناجی (۱۳۷۹) در این خصوص می‌گوید: مهم‌ترین عاملی که منجر به کودک‌آزاری می‌شود، فقر اقتصادی و فرهنگی است. اکثر کودکانی که از معضل کودک‌آزاری رنج می‌برند در خانواده‌های پرجمعیت، فقیر و مهاجر قرار دارند، که گاه پدر یا مادرشان معتاد هستند.

از سوی دیگر، کار کودکان و سوء استفاده‌های جسمی و جنسی نیز در بسیاری از موارد ناشی از فقر است. براساس آماری از کودکان در تهران، کار اجباری را باید یکی از شایع‌ترین موارد کودک‌آزاری در ایران دانست. براساس تحقیقی که توسط قهفرخی و زینالی (۱۳۹۰) با همکاری انجمن حمایت از حقوق کودکان و دانشگاه بهزیستی و توان بخشی ایران در تهران روی ۵۸۵ کودک خیابانی انجام شده، نشان می‌دهد، که ۴۸ درصد از آنان ۶ تا ۱۲ سال سن دارند. این تحقیق همچنین مشخص کرده است که ۱۶ درصد از این کودکان زیر ۱۶ سال سن دارند و ۳۰ درصدشان بین ۱۲ تا ۱۸ سال سن دارند. داده‌های این تحقیق بیانگر آن است که ۵۴ درصد از کودکان کار، تنها در تهران درآمد ۳۰ تا سقف ۵۰ هزار تومانی ماهانه خود را که حاصل ۶ تا ۱۰ ساعت کار سخت روزانه است، صرف خانواده می‌کنند. فقر اقتصادی، بی‌عدالتی اجتماعی، بیکاری، فاصله طبقاتی زیاد و درآمد کم خانواده در ایران از مهم‌ترین عللی است که منجر به وجود آمدن پدیده کودکان خیابانی و کار اجباری آنان می‌شود.

و در آخر نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی نشان داد که بین دو متغیر خشونت خانوادگی و کودک‌آزاری رابطه‌ی مستقیم و معنادار وجود دارد. به این معنا که هر چه قدر خشونت خانوادگی بیشتر باشد، امکان کودک‌آزاری نیز بیشتر می‌شود. خشونت‌های خانوادگی، زمینه‌ای برای رشد و گسترش رفتارهای اجتماعی ناسازگارانه و درک پایین از موقعیت‌های بین‌فردی و در نتیجه پذیرش پایین از سوی هم‌تایان فراهم می‌نمایند. این یافته با نتایج پژوهش خاک رنگین و فتاحی (۱۳۹۰) و نظریه یادگیری اجتماعی - مشاهده‌ای تطابق دارد. براساس این نظریه، خشونت‌گری نوعی رفتار آموخته شده است که فراگیری آن براساس مشاهده انجام می‌شود و مورد تشویق قرار گرفتن الگوی خشونت‌گر بر تقویت رفتار خشونت‌گرایانه و بروز آن موثر است. (اعزازی، ۱۳۸۰: ۶۱)

۸- پیشنهادها

- آگاهی پدر و مادر از حقوق کودک ضروری است، زیرا خانواده مهم‌ترین پایگاه رشد و تربیت کودک است و می‌بایستی محیطی امن و کانونی گرم برای آنان باشد.
- به افرادی که به نوعی با کودکان در تماس هستند مانند مربیان بهداشت مدارس، پرستاران بهداشت جامعه، معلمان آموزش و پرورش و ... توصیه می‌شود، کودکان خانواده‌های پرخطر را تحت نظر قرار داده و در صورت وجود شواهدی دال بر آزار یا غفلت، از طریق فرایند صحیح ارتباط با اعضای خانواده و تنظیم جلسات مشاوره و راهنمایی و آموزش تکنیک‌های مختلف روان‌درمانی، مداخلات لازم را جهت برطرف کردن مشکلات خانواده و مقابله صحیح یا سازش با عوامل تنش‌زا که مهم‌ترین عامل وقوع سوء رفتار می‌باشد را به اجرا درآورند.
- ایجاد و گسترش یک سیستم مددکاری فردی - اجتماعی با اهرم‌های قدرتمند قانونی - قضایی برای پیشگیری و درمان موارد کودک‌آزاری.
- توسعه منسجم نظام حمایت از کودکان طلاق و پیگیری مراقبت از آن‌ها بعد از سرپرستی تک‌والدی آن‌ها.
- استفاده از شعارهای اسلامی و دینی جهت آموزش به والدین از طریق وسایل ارتباط جمعی (فیلم، سریال، تبلیغ، شعر، سرود، بروشور و ...).
- پیشنهاد می‌شود محققین در تحقیقات آتی بر روی روند جامعه‌پذیری جنسیتی خشونت‌آمیز علیه کودکان با استفاده از روش مطالعه کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق مطالعه نمایند تا فرایند مذکور به عنوان یکی از عوامل مهم در زمینه کودک‌آزاری با عمق بیشتری مورد مطالعه قرار گیرد.
- پیشنهاد می‌شود محققین در تحقیقات آتی خود به بررسی روند شکل‌گیری ایدئولوژی‌های سنتی افراد جامعه و چگونگی بازتولید آن در کودک‌آزاری بپردازند.

مراجع

- [۱] احدی، حسن (۱۳۹۰)، روان شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک)، تهران: انتشارات بنیاد.
- [۲] اسداللهی، عبدالرحیم؛ براتوند، محمود (۱۳۸۴)، رابطه‌ی بین کودک‌آزاری والدین و الگوی مجرمانه‌ی شرارت در کودکان آزار دیده (مطالعه موردی: مجرمین شرارت زندان های خوزستان)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- [۳] اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- [۴] بهاری، رقیه (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر کودک آزاری جسمی در مراکز مداخله در بحران شهر تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره ۴.
- [۵] پورناجی، بنفشه، (۱۳۷۹)، مرگ خاموش: نگاهی به پدیده‌ی «کودک آزاری»، چاپ اول، تهران: انتشارات همشهری.
- [۶] حبیبی عسگرآبادی، مجتبی؛ خوشابی، کتایون؛ فرزادفرد، سیده زینب و محمدخانی، پروانه، (۱۳۸۷)، میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی شهر تهران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷.
- [۷] خاک رنگین، مریم و فتحی، منصور (۱۳۹۰)، عوامل خانوادگی مرتبط با کودک‌آزاری، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳۳.
- [۸] خوشابی، کتایون (۱۳۸۵)، گزارش یک مورد سوء استفاده جنسی، مجله‌ی رفاه اجتماعی، شماره ۷، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی.
- [۹] اراهب، غنچه؛ اقلیما، مصطفی؛ کمرودی، عباس؛ کفشگر، مجتبی (۱۳۸۸)، تاثیر روانی - اجتماعی کودک‌آزاری و نقش پلیس در پیشگیری از بروز آن، فصلنامه‌ی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۲.
- [۱۰] رحیمی موقر، آفرین؛ بابایی، نعمت اله و رستمی، محمدرضا (۱۳۸۲)، بررسی شیوع کودک آزاری در دو منطقه تهران، نشریه رفاه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۶۲ - ۱۴۱.
- [۱۱] رحیمی، شهرام و قاسم زاده، فاطمه، (۱۳۸۶)، «راهنمای آموزش پیمان نامه حقوق کودک»، از مجموعه انتشارات دفتر یونسف در ایران.
- [۱۲] رضوی پور، عارضهه (۱۳۸۷)، بررسی عوامل جامعه شناسی و روان‌شناسی موثر بر خشونت روانی علیه زنان، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- [۱۳] رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، کندوکاوها و پنداشته‌ها (مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی)، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- [۱۴] شاه محمدی، داوود؛ سیاری، علی اکبر؛ باقری یزدی، سیدعباس؛ جلیلی، بهروز؛ خوشابی، کتایون؛ ایمان زاده، فرید و کرمی، حسن (۱۳۸۹)، بررسی کودک آزاری جسمانی در مراجعان سه درمانگاه تخصصی اورژانس کودکان در شهرستان تهران، نشریه توانبخشی، دوره ۲، شماره ۳ - ۴، مسلسل ۷-۶، صص ۱۳-۷.
- [۱۵] شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵) بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد و ژوبین.
- [۱۶] قماشچی، فردوس، (۱۳۸۵)، کودک آزاری و پیامدهای آن بر روند رشد روانی - اجتماعی کودکان آزار دیده، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا.
- [۱۷] قهفرخی، سعید و زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۰)، آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران (با تأکید بر کودک آزاری)، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- [۱۸] کاهانی، علیرضا و توفیقی، حسن، (۱۳۷۵)، «کودک‌آزاری جسمانی عمدی»، تهران، مجله علمی پزشکی قانونی، شماره دهم، صص ۵۶ - ۵۱.
- [۱۹] کاپلان، هارولد و سادوک، بنجامین، (۱۹۸۸)، خلاصه روانپزشکی، ترجمه دکتر نصرت اله پورافکاری، (۱۳۸۰)، تبریز: انتشارات تابش.
- [۲۰] ماسن، پل هنری؛ کیگان، ج؛ هوستون، ا؛ کانجر، ج و (۱۳۸۲)، رشد کودک و شخصیت، ترجمه مهشید یاسایی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر مرکز.
- [۲۱] میری، سکینه؛ فروغ عامری، گلناز؛ محمدعلیزاده، سکینه و فرودنیا، فاطمه (۱۳۸۴)، بررسی شیوع کودک‌آزاری در دبیرستان - های شهر بم در سال تحصیلی ۸۳ - ۱۳۸۲، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۳ - ۵۰.
- [22] Coohey, C. (2006). Physically abusive father and risk assessment. Child Abuse & Neglect, 30, 467-480.